

بررسی و شرح مهم‌ترین نظریه‌های زیباشناسی در «مبانی فلسفه هنر»

محمد آسیابانی و سامان بیات



این نظریه با عنوان «تقلید» نیز یاد شده و اندیشمندان مسلمان آن را با عنوان «محاکات» می‌شناسند. این نظریه از دیرباز در مباحث اندیشه‌ای هنر وجود داشته است. افلاطون در این زمینه در کتاب «جمهور» خود توضیح جامعی ارائه کرده و برای رساندن منظور خویش از واژگان «صور ایده‌آل» و «نسخه بدلی» استفاده نموده است. از دیدگاه افلاطون، هنر در سطحی بسیار نازل قرار می‌گیرد؛ چرا که وی هنر را حاصل نسخه‌برداری از صور ایده‌آل می‌داند که در جهانی دیگرند. به جای واژه نسخه‌برداری، می‌توان از واژه «بازنمایی» نیز استفاده کرد. واژه بازنمایی در مورد آثار هنری، هنرمند را با دست بازتری نشان می‌دهد و رساننده ابتکار و خلاقیت بیشتر است اما نسخه‌برداری به کپی کردن محض اشاره دارد و منظور واژه به‌طور کامل القا نمی‌شود. مفهوم بازنمایی در طول زمان دستخوش تحولاتی شده که در بخش اول کتاب درباره آن توضیح داده شده است.

مبحث اصلی طرح‌شده در فصل سوم کتاب نیز شرح نظریه «فرانمایی» است. فرانمایی را نویسندگان به معانی مختلفی به کار برده‌اند. با این اوصاف، شپرد تنها به دو مورد از مهم‌ترین دیدگاه‌ها درباره این

پایه‌ای در راستای چپستی «فلسفه هنر» را مطرح کرده است: «مهم‌ترین دغدغه هنر چیست؟». وی در ادامه بحث و برای کشف پاسخ این سؤال مهم، طبقه‌بندی خاصی از تعاریف هنر ارائه می‌دهد. این مباحث مناسب‌ترین درگاه ورود به مطالب طرح‌شده در کتاب است. بنابراین مخاطبان مطالعه این مقدمه را به هیچ روی نباید فراموش کنند.

فصل نخست کتاب به تشریح دلایل رویکرد به هنر اختصاص دارد. شپرد برای شروع بحث ساده‌ترین و مسلم‌ترین دلیل رویکرد به هنر یعنی مفهوم «لذت» را واکاوی می‌کند. این لذت پس از مواجهه با اثر هنری در مخاطب ایجاد می‌شود. دلیل دوم رویکرد به هنر، مسئله داوری است. داوری در هنر همان قضاوت هنری درباره آثار در حوزه‌های هنرهای تجسمی، موسیقی، شعر، نمایش و... است. شپرد در ادامه، سه نظریه تقریباً کهن در زمینه داوری و ارزش‌گذاری آثار هنری را توضیح می‌دهد. این سه نظریه «نسخه‌برداری»، «فرانمایی» و «فرم» هستند. نویسندگان در فصل‌های بعدی کتاب به تفصیل درباره این سه نظریه صحبت می‌کنند.

فصل دوم کتاب به شرح و بررسی نظریه «نسخه‌برداری» اختصاص دارد. از

«مبانی فلسفه هنر» یکی از مهم‌ترین و در عین حال معتبرترین منابع در حوزه زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر است. نویسنده این کتاب خانم آن شپرد و مترجم آن علی رامین است. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی نهمین چاپ این کتاب را در سال ۱۳۹۲ با شمارگان سه هزار نسخه و بهای ۱۲ هزار تومان روانه کتاب‌فروشی‌ها کرد. آن شپرد در این کتاب با تشریح نظریات گوناگون درباره هنرها، با زبانی ساده به بحث درباره آرا و اندیشه‌های فیلسوفان بزرگ و نقد آن‌ها می‌پردازد. تجزیه و تحلیل داورهای زیبایی‌شناختی (که یادگیری آن بر هر هنرآموزی از نان شب هم واجب‌تر است) یکی دیگر از مهم‌ترین مباحث آموزشی این کتاب است. معرفی و تحلیل این کتاب را در ادامه بخوانید.

«مبانی فلسفه هنر» به‌طور کلی نظریه‌های گوناگونی را درباره ویژگی‌های مشترک هنرها تشریح می‌کند و آرا و اندیشه‌های فیلسوفان بزرگ را که به تعبیر و تأویل آثار هنری پرداخته‌اند، با بیانی روشن به بحث و نقد می‌کشد. پیش از این مباحث، مترجم کتاب نیز مقدمه‌ای مختصر و مفید در تعریف واژه استتیک (همان زیبایی‌شناسی) ارائه کرده است. رامین در این مقدمه یکی از سؤال‌های

نظریه اشاره کرده است: دیدگاه تولستوی درباره این نظریه و همچنین دیدگاه‌های بندتو کروچه اندیشمند ایتالیایی و رابین جرج کالینگوود اندیشمند انگلیسی در شرح این مفهوم.

تولستوی معتقد است که هنر سرایت دادن و اشاعه احساس است و هنرمند راستین عاطفه و احساس را بازتاب می‌دهد. به نظر او در اصل کیفیت هنر با کیفیت احساس بیان می‌شود و درک هنر از فعالیت عقلی جداست اما کروچه و کالینگوود فعالیت ذهنی را در چند دسته طبقه‌بندی می‌کنند که این دسته‌ها از دریافت داده‌های خام احساس و ادراک، شروع می‌شود. در یک مرحله، ما می‌توانیم آگاهی درستی از این داده‌ها به دست آوریم که آن مرحله شهود یا تخیل است. کالینگوود اعتقاد دارد که هنر بیان حالت است با استفاده از قدرت تخیل.

نویسنده در فصل چهارم نیز «فرم» را توضیح داده است. فرم در هنر چیزهای مختلف و متعددی را در برمی‌گیرد. در هنر بصری، ویژگی فرمی نه تنها توازن و تقارن بلکه پرسپکتیو را نیز شامل می‌شود. بسیاری از نقدهایی که درباره هنر صورت گرفته بر اهمیت فرم تأکید می‌کند. با توجه به اهمیت این نظریه شپرد، در این بخش از کتاب به معرفی برخی از فرمالیست‌ها (فرم‌گرایان) به‌ویژه رولان بارت، فیلسوف و نشانه‌شناس فرانسوی، می‌پردازد. ادامه مباحث به معرفی نظریه «ساختار شکنی» که ژاک دریدا، متفکر فرانسوی و یکی از مشهورترین فلاسفه و نظریه‌پردازان هنری و ادبی قرن بیستم آن را مطرح کرده است، اختصاص دارد. با توجه به زبان ساده کتاب، این بخش مهم‌ترین منبع مکتوب برای آشنایی معلمان هنر و ادبیات با این نظریه است؛ چرا که باقی منابع زبان سخت و دشواری دارند.

فرم، زیبایی و درک زیبایی‌شناسانه، آغازگر فصل پنجم کتاب است. در این بخش، سؤال مهم و جذابی مطرح شده است: «آیا نظریه‌ها می‌تواند توضیحی درباره همه اشییاتی که به ما لذت زیبایی‌شناسانه می‌دهند عرضه کند؟» درک آرایش فرمی نقش مهمی در واکنش زیباشناسانه در برابر اشیا ایفا می‌کند. در

اینجا ماهیت درک زیباشناسانه نیازمند واریسی و تتبع است. همچنین در این فصل به فراخور مباحث برای سؤال «زیبایی چیست؟» چهار پاسخ ارائه شده است؛ پاسخ اول: زیبایی کیفیت ساده‌ای است که تعریف بیشتری به خود نمی‌پذیرد. پاسخ دوم: زیبایی را می‌توان بر اساس کیفیات زیباشناسانه مشخص تری مانند ظرافت، آراستگی و قشنگی تعریف کرد. پاسخ سوم: زیبایی را می‌توان بر اساس کیفیات غیر زیباشناسانه دیگر تعریف کرد و پاسخ چهارم: هنگامی که چیزی را زیبا تشخیص می‌دهیم، ناخودآگاه درباره آن داوری می‌کنیم، بنابراین زیبایی چیزی است که با حضور خود، ما را وادار به واکنش کرده و باعث می‌شود ما به سراغ انواع داوری زیباشناختی برویم. شپرد در ادامه بر اساس این چهار پاسخ توضیحاتی اساسی درباره دیدگاه کانت درباره زیبایی شیء، زیبایی به‌عنوان فرم و نگرش شوپنهاور به هنر در قالب دستگاه متافیزیکی و همچنین مفهوم تجربه زیباشناسانه «ینگاردن» ارائه داده است.

موضوع اصلی فصل ششم کتاب «نقد، تأویل و ارزشیابی» است. اینکه چه نوع توجیهی می‌توان برای تأویل نقادانه و ارزیابی یک اثر هنری ارائه کرد؟ یک دسته از ویژگی‌ها وجود دارد که به‌وسیله آن‌ها می‌توان آثار را ارزیابی و داوری کرد اما این ویژگی‌ها برای آثار مختلف، متفاوت‌اند و هیچ معیاری وجود ندارد که بتوان آن را در مورد تمامی شاخه‌های ادبیات و هنر صادق دانست. کیفیات زیباشناختی نمی‌توانند برحسب کیفیات غیرزیباشناختی تعریف شوند. شپرد در ادامه، سه نوع فعل نقادانه را از هم باز می‌شناساند: توصیف، تأویل، و ارزیابی.

عنوان فصل هفتم کتاب نیز «نیات و انتظارات» است. منتقدان برای تحکیم بیشتر نگرش‌های خود به ملاحظاتی خارج از متن توسل می‌جویند. آثار دیگر مؤلف از همان نوع ادبی، آثار دیگر از همان هنرمند، انتظارات مخاطبان اولیه و نیات هنرمند، شماری از این ملاحظات است. نویسنده با بررسی این نگرش‌ها سعی کرده است الگوهایی مربوط به انسجام میان آثار یک هنرمند، بین آثار یک هنرمند و دیگر

موضوعات مانند مخاطب‌های آن هنرمند، ارائه کند. مخاطب با مطالعه این فصل پی می‌برد که تأویل نقادانه یک اثر هنری در تحلیل نهایی نمی‌تواند صرفاً با تمسک به خود متن توجیه شود و باید از منابع دیگر نیز یاری گرفت. فصل هشتم کتاب «معنا و صدق» نام دارد. اینکه «معنا در یک اثر هنری چیست؟» پرسش پایه‌ای این فصل است. مفاهیم معنا و صدق به گونه‌ای که در مورد زبان به کار می‌روند، در فلسفه و زبان‌شناسی هم موضوع پژوهش‌های وسیع قرار گرفته‌اند. معیارهایی برای صدق و کذب گزاره‌ها و قواعد منطقی وجود دارد که بر روابط بین گزاره‌های صادق و کاذب نافذند. در این فصل به کاربردهای صدق نیز پرداخته شده است. صدق به لحاظ کاربرد بسیار محدودتر از معناست.

در نهایت، فصل نهم کتاب به مسئله مهم «هنر و اخلاق» اختصاص دارد. یک سؤال اساسی که در این فصل سعی شده به آن پاسخ داده شود این است که «آیا می‌توان اثری را از دید زیباشناختی تحسین کرد و در عین حال از مضرات اخلاقی آن نیز احساس تأسف داشت؟» در مباحث مربوط به اخلاق و هنر باز نمودی، اغلب مسائل اقتصادی مربوط به مضمون هنر با مسائل اخلاقی مربوط به تأثیرات آن خلط می‌شود. برخی (مانند اسکار وایلد، نویسنده شهیر بریتانیایی) گمان می‌کنند که بین هنر و اخلاق رابطه‌ای وجود دارد؛ ضمن آنکه می‌پذیرند هنر می‌تواند مضمون اخلاقی داشته باشد. در مقابل، عده‌ای مخالف این نظرند. در این فصل به کاربرد و دلالت‌های مختلف واژه اخلاق پرداخته شده و در ادامه، نظریات اندیشمندانی چون افلاطون، تولستوی، برتولت برشت (کارگردان و نمایشنامه‌نویس شهیر آلمانی و مبدع تئاتر اپیک) شرح شده است.

در پایان، نویسنده این سطور امیدوار است که مخاطبان این مطلب، کتاب را مطالعه کنند و مطالب مهم آن را به دانش‌آموزان خود نیز یاد بدهند. آموزش درست زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر باید از دوران آموزش همگانی (دبستان و دبیرستان) آغاز شود اما متأسفانه در کشور ما به این اصل مهم بی‌اعتنایی شده است.